



نماینده جمهوری اسلامی یاد می‌کنند. بخصوص آنکه استعفای میرحسین موسوی همزمان با صبح اولین روز این مذاکرات بود و تأثیرات این استعفا در مذاکرات، بعدها توسط دکتر ولایتی بسیار ناگوار و خردکننده عنوان شد.

همان روز انتشار خبر استعفای میرحسین موسوی در روزنامه جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور وقت، حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای در نامه‌ای با رد استعفا، نکاتی را متذکر گردیدند. متن نامه معظم له چنین است:

«برادر گرامی آقای موسوی نخست وزیر محترم

باسلام، نامه استعفای شما را دریافت کردم و لازم می‌دانم چند موضوع را به جنابعالی گوشزد کنم: در شرایط حساس کنونی و در حالی که مذاکرات ژنو در جریان است و لازم است همه در برابر طرف‌های دشمنان آماده و از مسائل داخلی فارغ البالی باشیم، استعفای دولت بر خلاف مصلحت کشور و انقلاب است و ضربه‌ای بر مصالح نظام جمهوری اسلامی است. مشکل تعیین چند وزیر، مشکل جدیدی نیست. در سه سال گذشته (دوره دوم ریاست جمهوری این‌جناب) همواره این مشکل با حکمیت هیأت سه نفره منصوب امام حل شده و جنابعالی همواره از آن استقبال کرده‌اید. هم‌اکنون نزدیک به نیمی از وزرای دولت که [...] به تصریح حضرت امام هنوز به فوت خود باقی است. مرجع حل مشکل خواهد بود. شما اگر مجلس را مرجع واقعی می‌دانید، نباید از عرضه دولت به مجلس و خواستن رأی اعتماد، استنکاف کنید. اگر مجلس به دولت رأی ندهد راه‌های قانونی برای تشکیل دولت جدید وجود دارد و این بهتر از آن است که شما درست شب قبل از روزی که دولت قرار است به مجلس عرضه شود، استعفا دهید و آن را در رسانه‌ها منتشر کنید. جنابعالی از اختیارات نخست‌وزیر طبق اصل ۱۳۴ کاملاً برخوردار بوده‌اید و حتی به برکت لطف حضرت امام و حمایتی که همواره از دولت کرده‌اند تا بتوانند وظایف خود را بخوبی انجام دهند، اختیاراتی بیش از مقرر در قانون نیز کسب کرده و آن را اعمال نیز کرده‌اید. توضیح این مطلب را در نامه پیوست به شخص شما ارائه خواهیم کرد. این‌جناب با وجود اختلاف نظرهای چندی که با شما در نحوه اداره کشور و اعتراض به روش‌های شما پیوسته در مسائل اقتصادی دارم، همان‌طور که می‌دانید همواره در همه مراحل به شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خیانت - البته خیانت غیر عمدی - می‌دانم و معتقدم خوب است جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به طور درستی بپذیرید.

استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید.

سید علی خامنه‌ای

رئیس‌جمهور

اما امام راحل نیز در واکنش به این استعفا، مرقومه عتاب‌آمیزی صادر فرمودند که در نهایت منجر به پس گرفتن استعفا از سوی موسوی شد. در این مرقومه در روزنامه‌های عصر ۱۶ شهریور و فردای چاپ استعفای میرحسین به چاپ رسیده، آمده است:

«جناب آقای موسوی نخست‌وزیر محترم نامه استعفای شما باعث تعجب شد.

حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لاقلاً من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام، فرزندان خود را به قربانگانه می‌برند چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست‌وزیری در چارچوب اسلام و قانون اساسی به خدمت خود ادامه دهید، در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید چون گذشته عمل شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود، رأی دهد. تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد، در اختیار دولت قرار خواهد داد. همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوء استفاده کنند. مردم ما از این گونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند. این حرکات هیچ تأثیری در خطوط اصل و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت. از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، انشاءالله عندالملاقات مسائلی است که گوشزد می‌نمایم.

روح‌الله الموسوی الخمينی ۶۷/۷/۱۵

درخصوص فاصله زمانی انتشار استعفای میرحسین تا زمان پاسخگویی وی به دفتر امام، نقل قول‌های گوناگونی مطرح است. جلال‌الدین فارسی به تازگی در مصاحبه‌ای به ماجرای پس از استعفای موسوی از نخست‌وزیری اینگونه اشاره کرده است که «در دوران نخست‌وزیری موسوی هم زمانی که امام راحل قطعنامه را پذیرفتند، میرحسین با دادن استعفا مخفی شد تا این‌گونه در جامعه القا کند که من موافق قطعنامه نبودم و از خودش در افکار عمومی قهرمان بسازد. امام هم رؤسای قوه قضائیه و مقننه و اگر اشتباه نکنم یک یا دو نفر دیگر را احضار کردند و بدون بحث درخصوص پذیرش یا عدم پذیرش استعفانامه موسوی به‌دنبال فرد جایگزین بودند که آقا وارد جلسه می‌شوند و امام شرح جلسه را می‌فرمایند و نظر آقا را می‌فرمایند که آقا از تصمیم شوم میرحسین پرده برداری می‌کنند و به امام می‌گویند با استعفا موافقت نکنید، چرا که او به دنبال قهرمان سازی از خودش است. امام در این زمان دستش را بلند می‌کند و با اشاره به آقا می‌فرمایند این درست است... بر اساس نقل‌های موجود گویا میرحسین موسوی در فاصله زمانی تنظیم استعفا نامه در ۱۴ شهریور تا ۱۷ شهریور که به محضر امام می‌رسد، در منزل آلاپوش که از دوستانش بود به سر می‌برده است؛ روز سوم که حاج سیداحمد خمینی با تماس با مراکز مختلف از یافتن او ناامید شده بود، به افراد مختلف می‌سپرد که امام فرموده‌اند «به میرحسین بگویید نباید که اگر نباید نامه‌ای تنظیم کرده‌ام و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهم که اگر پخش شود برای او دیگر دنیا و آخرت نمی‌ماند. روز سوم میرحسین تا ساعت ۱۱ به محضر امام می‌رسد، آن‌گونه که منابع آگاه بر اساس یادداشت‌های آن زمان در اختیار روزنامه ایران قرار داده‌اند، امام راحل نکاتی را بدین شرح به وی فرموده‌اند «من یک گله دارم و یک اعتراض، گله دارم از اینکه شما اگر مشکلی داشتید، مثل گذشته مراجعه می‌کردید و حل می‌کردیم، اگر می‌خواستید بروید، بی سرو صدا می‌رفتید. چرا سر و صدا کردید؟ اعتراض دارم به اینکه این مطالب را چرا به پای نظام نوشتید و نسبت به دولت دادید؟ ... اگر نبود کار این چند سال شما، به ملت اعلام می‌کردم که شما در مقابل انقلاب و نظام ایستاده‌اید. و بعد از این چه توقعی است که از مجلس دارید؟ این حق مجلس است که به هر وزیری که می‌خواهد رأی بدهد یا ندهد. شما می‌بایست از نظر مجلس تبعیت کنید. دیگران هم قبل از شما از این قبیل حرف‌ها می‌زدند که مجلس باید هماهنگ با ما باشد. شما مجلس هر چه گفت به مجلس احترام بگذارید. اگر مسئله‌ای بود شورای مصلحت حل خواهد کرد. آنچه مسلم است، پس از یک وقفه معنادار، امام بار دیگر حمایت علنی خویش را از دولت تکرار نمودند تا آثار استعفای ناپسند میرحسین، به عملکرد دولت بیش از این آسیب نرساند. هر چند به نظر ناظران سیاسی جنس این دفاع آشکارا متفاوت بود. امام اما تا ۸۰ روز در حمایت از دولت مکث نمودند. این مکث که بسیار به ضرر دولت علی‌الخصوص در بعد تبلیغات رسانه‌های بیگانه بود، سرانجام با حکم انتصاب میرحسین موسوی به سمت سرپرست امور جانبازان توسط امام پایان یافت. امام در میانه این حکم نگاشته بودند که «از آنجا که ممکن است این روزها افرادی بخواهند نسبت به دولت خلمت‌گزار شبهات و القائاتی در اذهان عامه به وجود آورند و زحمات بی‌شائبه و طاقت فرسای شما را خصوصاً در مسئله جنگ خدشه‌دار نمایند، لازم است این نکته را تذکر دهم که من همچون گذشته شما را فردی لایق و دلسوز برای انقلاب اسلامی می‌دانم و زحمات شما را در دوران جنگ و تجهیز سپاهیان اسلام فراموش نمی‌کنم و الآن نیز شما را تأیید و حمایت می‌کنم.»



این‌جناب با وجود اختلاف نظرهای چندی که با شما در نحوه اداره کشور و اعتراض به روش‌های شما بویژه در مسائل اقتصادی دارم، همان‌طور که می‌دانید همواره در همه مراحل به شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خیانت - البته خیانت غیر عمدی - می‌دانم و معتقدم خوب است جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به طور درستی بپذیرید. استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید